

٤) في الرجعة تتحقق المعرفة العالية (غاية الخلق): ٤- در رجعت، معرفت عالی (غایت خلقت) تحقق می یابد

لا شك أنّ غاية خلق الأنس والجن هو المعرفة، والسؤال: أين ستتحقق تلك المعرفة بصورة أعلى وأتم؟ وإذا كان للرجعة دور في إجابة هذا السؤال، فأين ستكون الرجعة؟

شکی نیست که غایت (هدف نهایی) خلقت انسان و جن، معرفت است؛ اما پرسش: این معرفت در کجا به صورت تمام و کمال تحقق خواهد یافت؟ و اگر رجعت در پاسخ به این پرسش نقشی داشته باشد، این رجعت در کجا خواهد بود؟

قال تعالى: (وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) [91]. سئل السيد أحمد الحسن عن هذه الآية، فأجاب عنها وبين أجوبة الأسئلة أعلاه، فقال:

حق تعالی می فرماید: (اوست خدایی که معبودی جز او نیست. ستایش خاص اوست، چه در این جهان و چه در جهان دیگر و فرمان، فرمان اوست و همه شما به سوی او بازگردانده می شوید) [92].

از سید احمد الحسن (ع) در مورد این آیه پرسیده شد؛ پس ایشان (ع) درباره آن، پاسخ داده و در جواب سؤال های فوق، چنین فرمودند:

[أي أنّ الحمد الحقيقي لله سبحانه وتعالى، وهو الثناء عليه بشكل أكمل وأتم بحسب المعرفة بمرتبة عالية: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) الذاريات: ٥٦، أي يعرفون، وهذه المعرفة العالية والتي تمثل الغرض من الخلق تتحقق في الأولى وهي السماء الأولى (سماء الرجعة)، وقبلها هي (سماء الذر)، وبدايتها أي (بداية الأولى) في ظهور الإمام المهدي (ع)، حيث تبدأ مرحلة الأولى ومقدمات تمهيد لعالم الرجعة.

یعنی ستایش حقیقی تنها از آن خداوند سبحان و متعال است؛ این همان ستایش خداست که به تناسب مرتبه عالی معرفت، به صورت تمام و کمال تحقق می‌یابد: (جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام)؛ [۹۳]؛ یعنی «لیعرفون»، (تا مرا بشناسند) و این شناخت والا که نمایانگر هدف خلقت است، در اولین آسمان، یعنی آسمان اول (که همان آسمان رجعت است) محقق می‌شود و قبل از آن جایگاه (آسمان عالم ذر بوده است) و شروع رجعت (اولین آسمان) در زمان ظهور امام مهدی (ع) خواهد بود؛ که در آن، مرحله نخستین و مقدمات زمینه‌سازی برای عالم رجعت آغاز می‌گردد.

(وله الحكم): أي الحاكمة لله بحكم الإمام المهدي (ع)، والمهدين ثم الرجعة، والحكم للأنبياء والمرسلين والأئمة والأوصياء.
(وَلَهُ الْحُكْمُ): یعنی حاکمیت، تنها از آن خداوند است؛ با حکومت‌داری امام مهدی (ع) و مه‌دیین (ع) و سپس رجعت و با حکومت‌داری انبیا، فرستادگان، ائمه و اوصیا.

(وإليه ترجعون): إلى الله سبحانه وتعالى في الرجعة، أي ليجازي الصالحين بصلاحهم، والظالمين بظلمهم في الرجعة (من محض الإيمان محضاً ومن محض الكفر محضاً) [94] كما ورد عنهم ، فيكاف لكل ظالم كيله، ويكاف لكل صالح كيله، فينتقم الله للأنبياء والمرسلين والأئمة من الظالمين الذين محضوا الكفر محضاً.
(و به‌سوی او بازگردانیده می‌شوید)؛: به‌سوی خداوند سبحان و متعال در رجعت؛ یعنی در رجعت، صالحان را به صلاحشان پاداش دهد و ظالمان را به ظلمشان کیفر فرماید؛ همان‌طور که از ائمه (ع) روایت شده است: «آن کسی که ایمان خالص داشته باشد و آن کس که کفر خالص داشته باشد»؛ [۹۵] بنابراین هر ظالمی پیمان‌ه‌اش را دریافت می‌کند و هر صالح و نیکوکاری نیز پیمان‌ه‌اش را می‌گیرد و

خداوند انتقام انبیا، فرستادگان و امامان را از ظالمانی که کفر محض دارند می‌گیرد.

(وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) السجدة: ۲۱،
ولنذيقنهم من العذاب الأدنى (في الرجعة). أما الآخرة فالحمد فيها أكمل وأتم
وأعظم؛ لأنها كشف تام للحقائق وكل بحسبه (لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا
عَنْكَ غَطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ) ق: ۲۲.

(و عذاب دنیا را پیش از آن عذاب بزرگ‌تر به ایشان بچشانیم، باشد که بازگردند)؛ [۹۶]: از عذاب دنیا (در رجعت) به آن‌ها می‌چشانیم؛ اما در آخرت، سپاس و ستایش به کامل‌ترین و تمام‌ترین و عظیم‌ترین شکل است؛ چراکه در آنجا پرده‌برداری تام و تمام از حقایق، به فراخور وضعیت و جایگاه هر شخص صورت می‌گیرد: (تو از این غافل بودی. ما پرده از برابرت برداشتیم و امروز چشمانت تیزبین شده است)؛ [۹۷].

(وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) الأعراف: ۴۳، أي رفع (الأنبا) من الصدور، وكل بحسبه يغترف من رحمة الله بحسب وعائه، ويكال له بمكياله الذي صنعه بأعماله الصالحة [98].

(و هرگونه کینه‌ای را از دلشان برمی‌کنیم. نهرها در زیر پایشان جاری است. گویند: حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به این راه راهبری نمود و اگر ما را راهبری نکرده بود، راه خویش نمی‌یافتیم؛ فرستادگان پروردگارمان به حق آمدند؛ و آنگاه ایشان را ندا دهند که به پاداش کارهایی که می‌کردید این بهشت را به میراث برده‌اید)؛ [99]؛ یعنی برداشته شدن «من» از سینه‌ها؛ هریک به فراخور

ظرفیتش، از رحمت خداوند برمی‌گیرد و به پیمان‌های که با اعمال نیکویش ساخته است، پیمان‌ها می‌شود. [100]

[91]. القصص: 70.

[92] - قصص: 70.

[93] - ذاریات: 56.

[94]. مختصر بصائر الدرجات: ص 24.

[95] - مختصر بصائر الدرجات - حسن بن سلیمان صفار: ص 24.

[96] - سجده: 21.

[97] - ق: 22.

[98]. المتشابهات: ج 4 سؤال رقم (171).

[99] - اعراف: 43.

[100] - متشابهات: ج 4، پرسش 171.